

فلسفه دوازدهم - درس ۶ - خدا در فلسفه (در اندیشه های فیلسوفان مسلمان)

سوال: آیا می شود وجود خدا را با استدلال عقلی ثابت کرد؟
آیا می شود تک علت العمل که خودش معلول دیگری نباشد را ثابت کرد؟

۱- یک فرض ← فرض کنید هیچ چیز وجود ندارد - (و عدم مطلق است) و هیچ کدام از موجودات چون بوجود نیامده اند. حالا اگر تکلی از موجودات بخواهد هستی پیدا کند ← نیازمند چیست؟

لے قطعاً خواهد گفت باید علت آن باشد تا او را بوجود آورد

۲- حرف درستی است تا علت نباشد موجود بوجود نمی آید ← چون معلول تمام هستی و وجود خود را وابسته به علت است - باید علت باشد تا به او وجود بدهد.
حالا اگر به این علت نگا کنیم آیا او هم معلول است؟ و نیازمند علت است.

۳- قطعاً اگر معلول باشد او هم نیازمند علت است تا به او هستی بدهد

این علت دوم چگونه؟ آیا او هم نیازمند علت است؟ بلی پس او هم باید علتی داشته باشد - علت بعدی چگونه؟ ← به همین ترتیب ادامه دهیم ما با تک زنجیری علت ها رو برده هستیم که همه آنها وابسته به علت خود هستند - و باید هر کدام علتشان باشد تا بوجود بیایند.

۴- اگر این سلسله و زنجیره تا بی نهایت ادامه یابد کدام تک از افراد سلسله بوجود می آید؟

قطعاً خواهیم گفت اگر همه افراد سلسله وابسته و مشروط به علت

باشند هیچ کدام وجود پیدا نخواهد کرد همه خواهند گفت تا علت ما نباشد نمی توانیم بوجود بیاییم چون علت ما به ما وجود می دهد

۵- پس باید برای بوجود آمدن تمام افراد زنجیره تک علت نامشروط که خودش وابسته

به هیچ علتی نباشد در صدر این سلسله باشد تا علت نخستین باشد و گرنه هیچ چیز بوجود نمی آید

- ۱- تمام اشیاء چون وجودشان از خودشان نیست یعنی معلول چیزی دیگر هستند.
- ۲- تا علت نباشد معلول بر وجود نمی آید **وجود معلول وابسته و مشروط به وجود علت است**
- ۳- علت از نظر وجودی مقدم بر معلول است
- ۴- اگر علت هم معلول باشد وابسته به علتی دیگر است و به همین ترتیب سلسله‌ای پدید می آید از علت‌ها و معلول‌ها

۵- اگر این تسلسل تا بی نهایت ادامه یابد قطعاً هیچ کدام از افراد سلسله موجود نخواهند شد چون همه مشروط و وابسته اند به سا

له پس تسلسل علل نامتناهی محال است

۶- نتیجه اینست: تمام موجودات عالم وجودشان وابسته به یک علت نامشروط (که وجودش وابسته نباشد) است

نکته ← اعتقاد به تسلسل علل نامتناهی و موجود بودن آن متناقض و غیر ممکن است
 که موجود اول که وجودش وابسته نیست ← علت العلل یا علت نخستین است
 « بدون او محال است هیچ چیزی بوجود آید »

استدلال ابن سینا ← برهان سنیوی یا برهان وجوب و امکان
 مقدمان برهان

۱- به هدی از موجودات عالم نگاه کنیم یا ممکن الوجود است یا واجب الوجود بالذات
 ↓
 مساوی دارد
 یعنی نسبت به وجود و عدم حالتی
 ↓
 موجودی که وجودش وابسته به خودش است

پس می دانیم که برای اینکه شیئی ممکن الوجود به مرحله وجود برسد نیازمند علت است

- ۲- اگر این علت هم ممکن الوجود باشد ← یعنی وجودش وابسته به علت است
- ۳- اگر آن علت هم ممکن باشد بدین ترتیب سلسله‌ای از ممکنات پدید می آید

که همه نسبت به وجود و عدم مساوی و درستیبه هیچ گاه به مرحله‌ی وجوب نمی رسند

۴- الان همه سلسله ممکنات وجود دارند یعنی اول با کمک علت وجودشان به مرحله‌ی وجوب رسیده‌اند (واجب الوجود بالعدم شده‌اند) و بوجود آمده‌اند نتیجه اینکه ← سلسله ممکنات نامتناهی نیست ← بلکه به یک واجب بالذات ختم می‌شود

ایراد برتراند راسل ← برهان علم‌العلل بوج است

لے نقل قول از جان استوارت میل ← چه کسی ما را آفریده پاسخ ندارد.

↓
چون گفته می‌شود خدا
و چه کسی خدا را آفریده است؟

لے اگر چیزی بتواند بدون علت وجود داشته باشد ← آن چیز هم می‌تواند خدا باشد و هم جهان

↓
یعنی خدا نیازمند علت است

لے یعنی اگر خدا بدون علت است

جهان هم می‌تواند بدون علت باشد

نکته ← برهان فارابی می‌تواند پاسخی کامل به این ایراد راسل یا استوارت میل باشد

تأثیر اعتقاد به خدا در زندگی انسان ← از نگاه فیلسوفان مسلمان

لے مغایب‌خشی به زندگی انسان

وجود خدا و زندگی انسان ← تبیه آب و حیات جسمانی او

↓
انسان از طریق حواس به وجود آب پی می‌برد و تاثیر آنرا حس می‌کند و از آن سیراب می‌شود

↓
انسان از طریق عقل و منطق وجود خدا را می‌پذیرد
↓
این پذیرش به زندگی او معنا می‌دهد و انسان در ارتباطات روحی و معنوی با زندگی می‌کنند

نیزش خدا



امکان کشف معیارهای زندگی مفناده



نظر این سینا در رساله عشق

جهان را هدیه قرار و عنایت منزه یافتن

اسنان را هدیه قرار داشتن و کشف حروف او

یافتن مایه افراد واقعی برای گذریش فطری

اسنان به خیر و زیبایی

معتبر داشتن اگر مازای مقدس و عمری ماری

داشتن تعهد و مسئولیت در برابر تک وجود بزرگتر

له هدیه از موجودات (مملکات) به واسطه حقیقت وجودش، همیشه

مستحق کمالات و غیرت است و به حسب ذات خویش از بدهی گزینان

همین استیاق ذاتی و ذوق فطری ← سبب بقای مملکات است

← عشق است ←



عشق بین خدا، جهان و اسنان



عشق اسنان و جهان نتیجه‌ی عشق الهی ← عشق علت به

معلول

است که در گننه و ذات هستی به ودیعه

گذاشته شده است، عشق خدا به جهان

عشق اسنان به جهان

فلک جز عشق محرایی ندارد

جهان بی خاک عشق، آبی ندارد

کسی که عشق حالی شد فشرده است
گرش صد جهان بود، بی عشق مرد است

طبیع چیز کش کاری ندارد
ملیکان این کش را عشق خوانند

گر اندیشه کنی از راه پیش

به عشق است استاده

آفرینش